

پژوهش نامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۹۹

No. 26, Spring & Summer 2020

صص ۲۵۵-۲۸۰ (مقاله پژوهشی)

ساختار معنایی سوره «الاحزاب» و جایگاه آیه تطهیر در آن

فاطمه لایقی^۱، عباس همامی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۹/۱۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۲/۵)

چکیده

بررسی ارتباط بین آیات یک سوره و ساختار معنایی، روش نوینی در تفسیر قرآن است. ساختار معنایی بیان می‌کند که هر سوره دارای یک غرض اصلی است و تمامی آیات و مباحث مطرح شده در سوره به آن غرض مرتبط می‌شوند. با بررسی سیاق آیات و دیگر روش‌های کشف غرض سوره مشخص گردید که غرض سوره «الاحزاب» "برطرف نمودن فشار واردۀ بر پیامبر(ص)" از طرف گروههای مختلف جامعه" است. یکی از فواید ترسیم ساختار معنایی سوره‌ها کمک به حل اختلافات تفسیری است. در سوره «الاحزاب» در مورد آیه تطهیر اختلاف تفسیری وجود دارد. اهل سنت با استناد به سیاق آیات، مصدق «اَهْلُ الْبَيْتِ» در آیه تطهیر را همسران رسول الله (ص) و مفسران شیعه با استناد به روایات معصومان علیهم السلام مصدق «اَهْلُ الْبَيْتِ» را خمسه طبیه می‌دانند. لیکن بررسی دقیق سیاق آیات، ساختار معنایی و غرض سوره «الاحزاب»، دلیل اهل سنت را که سیاق آیات است، رد می‌نماید.

کلید واژه‌ها: ساختار، سوره «الاحزاب»، غرض، پیامبر(ص)، آیه تطهیر.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ fatemeh7783@gmail.com
۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ ah@hemami.net

مقدمه

از جمله اختلافات تفسیری که میان مفسران شیعه و علمای اهل سنت مطرح است، در مورد آیه تطهیر می‌باشد. اهل سنت با در نظر گرفتن سیاقی که آیه تطهیر در آن به کار رفته است، معتقدند که منظور از «اہل البیت» در این آیه، همسران پیامبر(ص) می‌باشد و یا آنها را هم شامل آن می‌دانند. شیعه نیز با توجه به روایات بسیاری که در شأن نزول این آیه آمده است، عقیده دارد که مراد از اهل البیت «خمسه طبیه» می‌باشد. این پژوهش با بررسی سیاق آیات سوره «الاحزاب»، دلیل اهل سنت که استناد به سیاق آیات است را، با دلیل خودشان رد می‌نماید. برای درک جایگاه آیه تطهیر در متن سوره، نیاز به دستیابی به غرض سوره است. از آنجا که این سوره مباحث متفاوتی را دربردارد، در نگاه اجمالی دستیابی به غرض سوره مشکل می‌نماید. علامه طباطبائی که غرض سوره‌ها را در ابتدای تفسیر هر سوره ذیل عنوان «بیان» مطرح می‌نماید، در مورد این سوره غرض صریحی بیان نکرده است و تنها به ذکر موضوعات مطرح شده در سوره بسنده نموده است و چنین نگاشته است: «این سوره مشتمل بر معارف، احکام، قصص، عبرتها، و مواعظی چند و از آن جمله مشتمل است بر داستان جنگ خندق و اشاره‌ای هم به داستان یهودیان بنی قریظه دارد». بنابراین دستیابی به غرض سوره «الاحزاب» نیاز به غور در مطالب بیان شده در سوره، تفکر و تدبیر افزون‌تری را طلب می‌نماید.

بدلیل این که مهمترین ابزار کشف ساختار معنایی سوره، استفاده از سیاق آیات سوره است؛ لذا در ابتدا بررسی سیاق آیات سوره «الاحزاب» صورت گرفته است تا بدین وسیله غرض سوره مشخص گردد. سپس استفاده از سایر روش‌های کشف ساختار سوره، به انتقان محور بدست آمده خواهد افزود و در انتهای جایگاه آیه تطهیر در ساختار معنایی سوره و سیاقی که در آن واقع شده است، بررسی می‌گردد.

الف - ساختار سوره «الاحزاب»

در این مجال به بررسی ساختار سوره و دستیابی به غرض سوره پرداخته شده است.

۱- سیاق سوره

سیاق های این سوره، در دو بخش منسجم شده است: بخش نخست، آیات ۱ تا ۴۴ و

بخش دوم، آیات ۴۵ تا ۷۳.^۱

بخش نخست از سوره احزاب، دارای پنج سیاق است:

آغاز سوره با عبارت "يَا أَيُّهَا النَّبِيٌّ" و تکرار این خطاب در چهار آیه دیگر سوره

(آیات ۲۸، ۴۵، ۵۰ و ۵۳) نشان می دهد محور سوره در ارتباط با پیامبر(ص) می باشد.

سیاق اول (آیات ۱ تا ۸) در پی باطل نمودن فرهنگهای به جای مانده از جاھلیت است

که یکی از آنها، ظهار است که بواسطه آن مرد همسر خود را در حکم مادرش می دانست.

فرهنگ جاھلی دیگر این بود که پسر خوانده، برخی موقع، در حکم پسر واقعی قرار

داشت. لذا این آیات در پی ابطال این فرهنگ می باشد. پیامبر اکرم(ص) را محور ابطال

فرهنگ پسر دانستن پسر خوانده، قرار داده است. به همین منظور ایشان را به مقاومت در

برابر فشارهای واردہ از طرف منافقان و کافران دعوت می نماید و دلیل ابطال این فرهنگ

را مطرح نموده و اعمال فشار کافران و منافقان را تا حدودی برطرف می نماید. در آیه ۷

اخذ میثاق از پیامبر اسلام و انبیاء گذشته را بیان می نماید تا وظایف سنگین آنان را

یادآوری کند. در آیه ۸ هدف از میثاق با انبیاء را، پرسش خداوند از صدق صادقان مطرح

می کند و کافران را به عذاب دردنگ هشدار می دهد. با توجه به آیات قبل و تقابل

«صادقین» با «کافرین» مشخص می گردد که منظور از صادقان، مؤمنانی هستند که صدق

ادعای خود را در عمل اثبات کرده اند. (مکارم شیرازی و دیگران، ۲۱۲-۲۱۳/۱۷) اینان با

پیامبر در زدودن فرهنگهای جاھلی همراه هستند.

۱. برخی مفسران بخش اول سوره را تا آیه ۴۸ در نظر گرفته اند که توضیحاتی در این خصوص در انتهای مباحث بخش اول آمده است.

سپس سیاق دوم (آیات ۹ تا ۲۷) با بیان وقایع مربوط به جنگ احزاب، مؤمنان را به یاد آن زمان انداخته است تا به وسیله این یادآوری، به آنها بفهماند که فضای کنونی جامعه شبیه به زمان جنگ احزاب است و مؤمنان باز در موقعیت ابتلای الهی قرار دارند و باید مراقب منافقان باشند. در این سیاق، صور نفاق در زمان امتحان سخت الهی نشان داده شده است که شامل شک در وعده های الهی، ایجاد یأس در مسلمانان، برگشت به کفر، نقض عهد، رها نمودن جهاد، بخل ورزیدن در انفاق، ترس از قتال، زبان تیز و تند علیه مؤمنان، طمع در غنائم، بیزاری از مشارکت در جنگ میباشد و در مقابل تأسی به رسول الله (ص)، ایمان به او، تسلیم اوامر پیامبر بودن و وفا به عهد صور ایمان در زمان امتحان سخت الهی هستند که در این آیات به آنها اشاره شده است. (حوی، ۴۴۰۶/۸)

در آیه ۲۴، علت و فلسفه ابتلای به جنگ را بیان نموده که جزا دادن صادقان و عذاب نمودن منافقان بود. (زحلی، ۲۷۶/۲۱) سپس در آیات انتهایی این سیاق (آیات ۲۵ تا ۲۷) کفایت خداوند را برای مؤمنان در صحنه جنگ احزاب به تصویر درآمده است. بدین صورت که آیه ۲۵ بیان میدارد که خدا کافران را بازگرداند بی آن که نتیجه‌های از کار خود گرفته باشند. عبارت «وَأَنْزَلَ اللَّذِينَ ظَاهِرُوهُمْ» در آیه ۲۶ دلالت دارد بر این که یهودیان عهده‌ی که با پیامبر (ص) بسته بودند، نقض نمودند و به یاری مشرکان شتافتند و با آنان همدست شدند. (ابن جوزی، ۴۵۸/۳) و خداوند این یهودیان را که جمهور مفسران آنها را، یهود بنی قریظه میدانند، (آل‌وسی، ۱۷۲/۱۱) از قلعه‌های محکم‌شان پایین کشید در دلهایشان رعب افکند و کارشان به جایی رسید که مسلمانان گروهی را به قتل رسانده و گروهی را اسیر نمودند! و در آیه ۲۷ بیان می‌نماید که زمینه‌ها و خانه‌ها و اموالشان در اختیار مسلمانان قرار گرفت.

در سیاق سوم (آیات ۲۸ تا ۳۵) روی سخن را متوجه همسران رسول گرامی اسلام (ص) می‌نماید و آنان را نسبت به اظهارات و رفتارشان در قبال پیامبر (ص) پند و اندرز می‌دهد. در این سیاق و در خلال نصیحت به ازواج نبی، آیه ۳۳، عصمت اهل

بیت(ص) را بیان می‌کند تا در بهترین جایگاه در معرض دید همگان واقع شود. جایگاه آیه تطهیر در این بخش از سوره، در ادامه مقاله به تفصیل بررسی می‌گردد. پس از این اقدامات، در سیاق چهارم (آیات ۳۶ تا ۴۰) ازدواج پیامبر اسلام (ص) با زینب (همسر سابق پسر خوانده پیامبر) را تحلیل کرده است تا هر گونه شائبه و شبه را در این زمینه بر طرف نماید. در سیاق پنجم (آیات ۴۱ تا ۴۴) وظایفی را برای فراهم آوردن زمینه تبلیغ و گسترش دین به مؤمنان محول می‌کند. این آیات روی سخن را به مؤمنان می‌نماید و قلوب آنها را با خداوند سبحان مرتبط می‌نماید تا احکام و وظایفی که بر عهده آنها گذارده می‌شود و به آن خو نگرفته اند، مشکل ننماید. (حسینی شیرازی، ۳۴۱/۴) مؤمنان را به یاد خداوند و تسبیح او انداخته است تا از ظلمت‌های همراه شدن با منافقان جامعه رهایی یابند و به نور همراهی و اطاعت از پیامبر (ص) مزین گردند.

با توجه به مطالب مطرح شده، می‌توان غرض بخش نخست سوره را اینگونه دانست:
«رفع فشار واردہ بر پیامبر گرامی اسلام (ص) که از سوی منافقان به بهانه ازدواج آن حضرت با مطلقه پسرخوانده‌اش صورت گرفته بود.»

لازم به ذکر است که آیات ۴۵ تا ۴۸ خطاب به پیامبر اسلام (ص) است ولی تیجه آن سخن برای مؤمنان است و آیات گذشته را که بخشی از وظایف مؤمنان را مطرح می‌کرد، تکمیل می‌کند، لذا برخی از مفسران آیات ۴۵ تا ۴۸ را در امتداد سیاق قبلی می‌دانند و یک سیاق محسوب می‌کنند و شروع سیاق جدید را از آیه ۴۹ در نظر می‌گیرند.
(سمرقدی، ۳/۶؛ جرجانی، ۸/۱۵؛ طباطبایی، ۱۶/۳۲۷) اما گروه دیگری از مفسران برخلاف این سیاق‌بندی، آیه ۴۵ را شروع سیاق جدید می‌دانند. (ابن عجیب، ۴/۴۴۳؛ سبزواری نجفی، ۵/۴۴۴؛ حوى، ۸/۴۴۵؛ زحیلی، ۲۲/۴۵) که البته مختار نگارندگان نیز همین است. زیرا که بخش اول سوره ابتدا دستوراتی به پیامبر داد تا وی را برای مبارزه با فرهنگ‌های جاهلی بخصوص "پسر دانستن پسر خوانده" مقاوم سازد و سپس با یادآوری جنگ احزاب مؤمنان را برای همراهی با آن حضرت آماده نمود. سپس همسران پیامبر را

نصیحت نمود که همراه و یاور ایشان باشند و پس از آن که خداوند در آیه ۴۱ تا ۴۲ مؤمنان را به ذکر فراوان و تسبیح شبانه روزی فرا می‌خواند، در آیه ۴۳، در عبارت «**هُوَ الَّذِي يُصَلِّی عَلَيْکُمْ**» تعلیل امر به ذکر کثیر را می‌نماید (گنابادی، ۴۶۷/۱۱) و بعد در عبارت «**لِيُخْرِجَکُمْ مِّنَ الظُّلُمَتِ إِلَىَ النُّورِ**» که با لام تعلیل آمده است، (درویش، ۳۰/۸) به ذکر علت صلوات فرستادن خداوند پرداخته است و با این تعلیل مطالب قبل را جمع بندی نموده است و در آیه ۴۴ مقام مؤمنان و پاداش آنها را در قیامت بیان می‌کند. بنابراین از وظایف دنیوی مؤمنان بحث را آغاز کرده و به عرصه قیامت آنها ختم نموده است. اما آیه ۴۵ با تغییر خطاب به پیامبر(ص) وارد سیر مفهومی جدیدی می‌گردد که بهتر است در سیاق دیگری قرار گیرد و مانند بخش قبل ابتدا جایگاه پیامبر را تثبیت می‌نماید تا مقاومت ایشان در برابر آزارها صورت گیرد و در ادامه دستورات لازم را مطرح می‌نماید.

باید توجه نمود که سیاق بندی، امری بشری می‌باشد و به منزله دیوارکشی میان آیات نیست. بلکه غایت آن فهم بهتر آیات یک سوره است و گرنه برطبق نظریه وحدت موضوعی و ساختار معنایی سوره، همه آیات سوره حول محور واحدی هستند. از آنجا که هر دو بخش سوره «الاحزاب» با هم در یک راستا هستند، این اختلاف نظر در سیاق بندی سوره، تفاوت محسوسی در رسیدن به غرض سوره ایجاد نمی‌نماید، به همین علت مناقشه بیش از این بر سر اختلاف در سیاق بندی بی‌حاصل است.

بخش دوم این سوره دارای پنج سیاق است:

سیاق اول (آیات ۴۵ تا ۴۸) تثبیت جایگاه پیامبر گرامی اسلام را می‌نماید و برای دستیابی به این هدف معرفی ایشان را در پی می‌گیرد. آیات ۴۵ و ۴۶ پیامبر (ص) را رسول شاهد و مبشر و منذر و داعی به سوی پروردگار و چراغی نور افshan معرفی می‌کند و با این معرفی، جایگاه و موقعیت پیامبر را در مقابل آزارهای منافقان تقویت می‌کند. (در روزه، ۳۹۴/۷) از سویی دیگر به مؤمنان و دیگران اقتشار جامعه جایگاه الهی پیامبر(ص) را یادآوری می‌نماید. همچنین برای تقویت مؤمنان در آیه ۴۷ به آنها بشارت می‌دهد تا در

برابر فشار ناشی از آزار و اذیت کافران و منافقان مقاوم شوند و در آیه ۴۸ هشدار می‌دهد که مؤمنان تحت تأثیر کافران و منافقان قرار نگیرد و آزار و اذیت آنان را با توکل بر خدا دفع کند. بنابراین در آیه ۴۵ و ۴۶ پنج توصیف برای پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ آمده، و در دو آیه بعد از آن، یعنی آیات ۴۷ و ۴۸ بیان پنج وظیفه است که همه به یکدیگر مربوط و مکمل یکدیگر می‌باشند. (بابایی، ۶۱۹/۳)

سیاق دوم (آیات ۴۹ تا ۵۲) است که آیه ۴۹ برخی از احکام فقهی طلاق را برای مؤمنان بیان می‌دارد. این آیه ارتباط لفظی با آیه قبل ندارد ولی می‌توان آن را نمونه‌ای از احکام اسلامی دانست که رسول اللہ داعی به آن است و تفصیلی برای آیه ۴۶ می‌باشد. (حوالی، ۴۴۵۶/۸) سپس آیه ۵۰ موارد هفتگانه‌ای را که ازدواج با آنها برای پیامبر مجاز بوده شرح می‌دهد و سپس به بهانه‌های واهی افراد در خصوص روابط پیامبر با همسرانش که به منظور تخریب آنحضرت، صورت می‌گرفت، پاسخ می‌دهد. به طور کلی آیات این سیاق، سعی در ختنی سازی آزارهای منافقان نسبت به رسول اللہ(ص) دارد. این منافقان با ایجاد شباهتی درباره تعدد ازدواج پیامبر، عدم رعایت عدالت آن حضرت در قبال همسرانش و تقدیم و تأخیر نوبت همسرانش جو جامعه راعیه آن حضرت آلوه نمودند و خداوند با بیان آزادی او پاسخ شباهت آنان را می‌دهد.

سیاق سوم (آیات ۵۳ تا ۵۸) می‌باشد که در ابتدا آیات ۵۳ و ۵۴ بیان می‌کند که برخی از بیماردلان، با تعامل نادرست در زمینه بیوت و همسران پیامبر، ایشان را آزار می‌رسانند. قرآن مجید همچون کسانی را سخت بیم می‌دهد و زشتی گناهشان را در پیشگاه خدا بدیشان می‌نمایاند و تهدیدشان می‌کند به این که خدا از کیدی که در سینه‌هایشان نهان می‌دارند، کاملاً مطلع است. (سیدقطب، ۲۸۷۷/۵) به دنبال بحث پیرامون حفظ حرمت پیامبر(ص) و عدم ایذاء او در آیات ۵۵، سخن از علاقه خاص خداوند و فرشتگان نسبت به پیامبر(ص) می‌گوید، و بعد در این زمینه دستور به مؤمنان می‌دهد، و سپس در آیه ۵۷ آزار دهنده‌گان پیامبر(ص) را مورد لعن خداوند در دنیا و آخرت معرفی می‌کند و عواقب

در دنک اخروی آنان را مطرح می‌نماید. (مکارم شیرازی و دیگران، ۴۱۶/۱۷) در آیه ۵۸ و در آخرین مرحله از این سیاق، سخن از مردم نابکاری می‌کند که در آزار دادن دستشان به رسول خدا نمی‌رسد، اینان به آزار دادن مؤمنان از طریق تهمت زدن بر آنها می‌پردازند، اینان هم عذاب دنیوی و اخروی شامل حالشان می‌شود، زیرا آزار مؤمنان سبب آزار پیامبر می‌شود و آزار پیامبر سبب آزار خدای تعالیٰ. (مدرسى، ۳۸۵/۱۰) بنابراین در این آیات هم با ایذاء پیامبر مقابله می‌شود و هم با توسعه ایذاء به مؤمنان و مؤمنات مبارزه شده است.

سیاق چهارم (آیات ۵۹ تا ۶۸) دو راهکار برای مبارزه با اذیت و آزار پیامبر و مؤمنان مطرح می‌کند. اول این که فرهنگ حجاب را توسعه می‌دهد و میان همسران رسول خدا(ص) تثبت می‌کند تا در ادامه در جامعه نیز تثبت و راه آزار بر بیماردلان بسته گردد. از سویی دیگر اعلام آمادگی و برخورد نظامی شدید برعلیه منافقان می‌نماید و از این طریق منافقان را در زندگی دنیوی تهدید می‌نماید و تهدید شدید دیگری هم نسبت به عاقبت اخروی منافقان می‌نماید. به منافقان تقهیم می‌کند که تهدید به عذاب اخروی به دلیل اطاعت نکردن از خدا و رسول (ص) صورت گرفته است. البته تهدید به عذاب آنان در قیامت به منظور پاسخگویی به شبیه ایجاد شده توسط منافقان، در زیر سؤال بردن قیامت، نیز می‌باشد.

سیاق پنجم (آیات ۶۹ تا ۷۳) مؤمنان را از آزار رسول خدا (ص) نهی نموده و ایشان را به اطاعت از آن حضرت فرامی‌خواند و ولایت الهی را امانتی سنگین، اعلام می‌دارد. (طباطبایی، ۳۵۰/۱۶) در ادامه از مؤمنان می‌خواهد تا تکلیف الهی خود را نسبت به ولایت الهی بدرستی انجام دهند. واضح است که ولایت پیامبر(ص)، در طول ولایت خداوند قرار دارد و از سویی دیگر، با استناد به مباحث سوره، مشخص می‌شود که وظیفه مؤمنان نسبت به ولایت پیامبر (ص) همان وظایفی است که در مقابل ولایت الهی دارند.

با توجه به سیاقهای فوق، غرض بخش اول دوم سوره، هم راستای با غرض بخش اول است و اینگونه قابل بیان است: «مبارزه با فشارهای واردہ بر پیامبر (ص) و آزار آن حضرت و مؤمنان که از طرف منافقان و افراد بیماردل و شایعه سازان ایجاد شده است.»

بخش اول و دوم در چند محور با هم ارتباط اسلوبی، موضوعی و مفهومی دارند:

۱. در هر دو بخش سوره، خطاب به پیامبر(ص) مشاهده می‌گردد. هدف نهایی این خطاب‌ها تقویت آن حضرت در مقابل آزارهای رسیده به ایشان است.
۲. آزار رساندن و اعمال فشار به پیامبر(ص) از سوی منافقان و کافران در هر دو بخش مشاهده می‌شود.
۳. اطاعت از خداوند متعال و پیامبر (ص) بخصوص از جانب مؤمنان مسئله‌ای است که در هر دو بخش سوره بدان پرداخته شده است.
۴. هر دو بخش سوره اطاعت از خدا و رسول(ص) را نتیجه پذیرش ولایت آن حضرت بیان می‌کند.
۵. در آیات انتهاهی بخش اول سوره عبارات: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءاْمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلًا» (الاحزاب، ۴۱-۴۲) مشاهده می‌گردد، و بخش دوم سوره با آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءاْمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا فَوْلًا سَدِيدًا» (الاحزاب، ۷۰) به اتمام رسیده است. در نتیجه در هر دو بخش سوره خطاب به مؤمنان آمده است که منظور از این خطاب‌های الهی پند دادن آنها می‌باشد.
با توجه به مطالب فوق، غرض اصلی سوره «برطرف نمودن فشار واردہ بر پیامبر(ص) از طرف گروه‌های مختلف جامعه» می‌باشد.
برای اطمینان از صحت ساختار معنایی سوره «الاحزاب» و غرض به دست آمده، از سایر روش‌های مؤثر در کشف هدف و غرض سوره بهره می‌بریم.

۲- نام سوره

يهودیان مدینه، مشرکان مکه و منافقان پنهان در بین مسلمانها، برای جنگ علیه پیامبر(ص) متّحد شدند. این جنگ از آن جهت که توسط گروه‌های مختلف برنامه‌ریزی شد، به جنگ احزاب، معروف شد. (ابن عاشور، ۱۷۵/۲۱) به مناسبت ذکر احزاب در آیات

۲۰ و ۲۲، این سوره، «الاحزاب» نامیده شده است. (مصطفوی، ۳۹/۱۵) اوج مخالفت و موضع گیری کافران (دشمنان خارجی) در جنگ احزاب نمایش داده شده است، نام سوره از همین ائتلاف و اتحاد نیروهای کفر و شرک (احزاب) اخذ گردیده است. (بازرگان، ۱۷۵/۲) ارتباط نام سوره و محور سوره واضح است؛ از آنجا که گروههای مختلف با هم علیه پیامبر(ص) متحد شدند، لذا خداوند حمایت همه جانبه از پیامبر(ص) را گوشزد می‌نماید.

۳- جو و فضای نزول سوره

تفسران در مدنی بودن سوره «الاحزاب» اتفاق نظر دارند. (اندلسی، ۴۵۰/۸؛ ابن کثیر، ۳۳۵/۶؛ فیروز آبادی، ۳۷۷/۱؛ سبزواری نجفی، ۴۲۳/۱) این سوره هفتاد و سه آیه دارد و بعد از سوره آل عمران نازل شده است. (سیوطی، تفسیر جلالین، ۴۲۱/۱؛ مراغی، ۱۲۳/۲۱) حوادث مطرح شده در این سوره بین سال دوم و پنجم هجرت روی داده است که به سبب نویا بودن حکومت اسلامی در مدینه، مسلمانان، دوران سختی داشتند و در معرض دسیسه‌های مشرکان، یهودیان و منافقان بودند. طی این مدت جنگ احزاب و بنی قریظه رخ داد و رفته رفته حکومت اسلامی در مدینه و نیز قوانین اجتماعی اسلامی بیشتر ثبت شد. (شحاته، ۴۷۷) محتواهای سوره «الاحزاب» همچون دیگر سوره‌های مدنی، با فضای زمان نزول هماهنگی چشمگیری دارد. از یک سو آیات این سوره، کوشش پیامبر اسلام(ص) را به تصویر می‌کشد که تلاش ایشان در جهت تثبیت و اجرای قوانین اجتماعی و از میان بردن رسوم دوران جاهلیت بوده است و از طرف دیگر تلاش دشمنان ایشان را بیان می‌کند که در جهت دسیسه و توطئه نمودن علیه حکومت اسلامی از طریق حمله نظامی، اخلاقگری در اوضاع جامعه و تضعیف جایگاه رهبری و ولایت پیغمبر(ص) صورت می‌گرفت.

۴- آیات آغازین و پایانی سوره احزاب

غالباً آیات ابتداء و انتهای هر سوره، فهرست و نتیجه‌گیری و خلاصه‌ای از آن سوره را

بيان می‌کند. اولین آیه سوره: «يَأَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» و آیه آخر سوره: «لَيَعْذِذَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَنْوَبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا» می‌باشد. در این دو آیه دشمنان حکومت اسلامی را شامل کافران، مشرکان و منافقان می‌داند. در متن سوره به اعمال این دشمنان اشاره شده است. این دشمنان با دو رویکرد مختلف در صدد نابود کردن نور نبوّت بودند. کافران در صدد «ترور جسدی» او بودند و منافقان نقشه‌هایی برای «ترور شخصیتی» پیامبر (ص) طراحی می‌کردند که عمدۀ این نقشه‌ها، مسائل خانوادگی و زناشویی آن حضرت را نشانه گرفته بودند. (بازرگان، ۱۷۴/۲)

۵- کلمات کلیدی سوره

کلمات کلیدی مهم این سوره در دو بخش کلمات و عبارات پر تکرار و کلمات تک‌آمد هستند. در ابتدا کلمات پر تکرار بررسی می‌شود.

۵-۱. عبارات و کلمات پر تکرار

خطاب "يا آيُّهَا النَّبِيُّ" یازده بار در سوره‌های «الانفال، التوبه، الاحزاب، المتحنّه، الطلاق و التحرير» تکرار شده است. (حریری، ۳۹۰) در سوره «الاحزاب» پنج بار این خطاب به کار رفته است که این تعداد زیاد خطاب به پیامبر، نشان می‌دهد که نقطه کانونی سوره، پیامبر(ص) است. همچنین در این سوره، بیش از سایر سوره‌های قرآن کلمه «نبی» به کار رفته است. به طوری که بیش از یک سوم کاربرد این کلمه در کل قرآن در این سوره قرار دارد (۱۵ تا از ۴۳ مورد) این موضوع می‌رساند که مسئله نبوت محور سوره است و موضع گیری مخالفان اعم از کفار و منافقین در برابر شخص نبی و مسئله نبوت مطرح می‌باشد. (بازرگان، ۱۷۵/۲) همراه شدن مؤمنان با پیامبر اکرم(ص) مراد خداوند بوده است به همین علت خداوند متعال با وعده به «اجر» در آیات ۲۹، ۳۵ و ۴۴ سوره «الاحزاب» می‌خواهد که افراد را در رسیدن به این خواسته تشویق و ترغیب نماید.

خطاب "یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا" که خطاب مدح است، (کمالی دزفولی، ۳۶۷) در این سوره ۶ بار به کار رفته است. این خطاب نشان می‌دهد که سوره در بر همه ای از زمان نازل شده که جامعه ایمانی شکل گرفته بود. در این زمان یک ضلع مهم جامعه اسلامی مؤمنان هستند و خداوند با خطاب به آنها دستورات لازم را برای همراهی آنان با پیامبر (ص) به جامعه ایمانی گوشزد می‌کند.

دو خطاب «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ» و «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» به طور متناوب در این سوره تکرار می‌شوند. یعنی یک بار «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ» و یک بار «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، تنها در انتهای سوره است که عبارت «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» دوبار پشت هم تکرار گردیده است. (حوالی، ۴۲۸۱/۸) خطاب «یا نِسَاءَ النَّبِيِّ» ۲ بار در این سوره مشاهده می‌گردد و توجه به متن و لحن آیاتی که این خطاب در آنها آمده است، نشان دهنده این است که در فضای اعمال فشار بر پیامبر (ص)، همسران ایشان نیز همراه آنها شده‌اند و یا حداقل در معرض آن قرار گرفته‌اند. مشتقات واژه «نفاق» در سوره «الاحزاب» ۷ بار به کار رفته که بعد از سوره «التویه» که ۱۱ بار است، بیش از سایر سوره‌ها است. تعداد بالای به کارگیری مشتقات «نفاق»، نشان می‌دهد که خطر این گروه به عنوان دشمن داخلی، برای جامعه اسلامی بیش از دشمنان خارجی است. چون منافقان به دلیل حضور و نفوذشان در میان مسلمانان ضربه را از داخل بر پیکر جامعه وارد می‌کنند و بیشتر حرمت رهبر جامعه را با شایعه پراکنی زیر سوال می‌برند و حتی برخی نقشه می‌کشند با ازدواج با برخی همسران او در آینده برای خود مقام و موقعیتی ایجاد کنند. (بازرگان، ۱۷۵/۲)

دقت در محتوای آیات ۱، ۱۲، ۲۴، ۴۸، ۶۰، ۷۳ نقش منافقان را به خوبی نشان می‌دهد. به عنوان نمونه محتوای آیه ۱۲ نقش افراد منافق در ایجاد اضطراب، تزلزل، و فرار از جهاد و فعالیت تبلیغاتی منافقان در جنگ احزاب برای ایجاد فضای تزلزل در روحیه مسلمین و گمان آنها مبنی بر خدوع بودن وعده خدا و پیامبر (ص) را نشان می‌دهد. (هاشمی رفسنجانی، ۳۸۶/۲)

ریشه «أذى» در آیات ۵۳، ۵۷، ۵۸، ۵۹ و ۶۹ به کار رفته است. در این آیات هرگاه شخص پیامبر(ص) مطرح می‌شود، از کلمه «نبی» و هرگاه از ارتباط پیامبر با خداوند و مأموریت او سخن گفته می‌شود از کلمه «رسول» استفاده شده است. (بازرگان، ۱۷۶/۲)

رفتارهای منافقان، به خصوص شایعه‌های ناموسی علیه پیامبر(ص) او را برافروخته می‌کند. اما از آنجا که صبور و حلیم است و نمی‌خواهد متولّ به زور برای ساكت کردن مخالفان خود شود، زخم زبان‌ها و اذیت‌های روحی را تحمل می‌کند. به همین دلیل بیش از نیمی از مواردی که مستلزم «اذیت» کردن پیامبر در قرآن مطرح گشته، در این سوره آمده است. منظور از «اذیت»، رنجاندن پیامبر(ص) از طریق بی حرمتی به او و وارد ساختن اتهامات مغرضانه به آن حضرت یا همسرانش در روابط خصوصی می‌باشد. (همانجا)

در سوره «الاحزاب» بیش از سوره‌های دیگر (ده بار)، از کلمه «قلب» یاد می‌شود. (مطلوبی، ۵۲/۴) آیاتی که قلب در آن به کار رفته است، نشان می‌دهند که قلب از جهات مختلف مورد توجه قرار گرفته است. به تعمد دل در آیه ۵، ترس دل در آیات ۱۰ و ۲۶، طهارت دل در آیه ۵۳ و مرض دل در آیات ۳۲ و ۶۰ پرداخته شده است. به نظر می‌رسد بین مطالبی که درباره شرّ دل است، زیادتر از همه «مرض دل و محرومیّت‌های مختلف دل و ترس دل» را باز می‌گوید، و اصولاً در «شرّ دل» بیشتر از «خیر دل» سخن می‌گوید، چون ابتلای به شرّ دل بیشتر است. (همانجا، ۵۲-۵۰/۴)

با توجه به خطابهای سوره و واژگان پر تکرار سوره، می‌توان مربعی را در نظر گرفت که یک ضلع آن پیامبر(ص)، یک ضلع مؤمنان، یک ضلع همسران پیامبر و یک ضلع هم منافقان قرار دارند. خداوند تدبیر لازم را به پیامبر می‌فرماید و از سویی دیگر دستورهایی را به همسران پیامبر و مؤمنان می‌دهد تا در جهت حمایت از پیامبر(ص) قرار گیرند و بتوانند با منافقان که دلی بیمار دارند، مبارزه نمایند.

۵-۲. واژگان تکاملد قرآن در سوره «الاحزاب»

در این بخش به واژگانی که تنها یک بار در قرآن و در سوره «الاحزاب» آمده‌اند،

پرداخته شده است. زیرا واژگان تکآمد می‌تواند ارتباط معنا داری با محور و غرض سوره داشته باشند.

کلمه "یَثْرَب" نام قدیمی شهر مدینه است که تنها در آیه ۱۳ سوره «الاحزاب» آمده است. اگر این کلمه را در کنار تکرار زیاد نبی در این سوره مورد توجه قرار داد، می‌توان بیان کرد که اگر یَثْرَب تبدیل به «مدینه النبی» شده، به دلیل وجود پیامبر(ص) در آن است. کلمه "مُعَوِّقِين" که در آیه ۱۸ سوره به کار رفته است، تنها یکبار در کلام الله آمده است. (قرشی، قاموس قرآن، ۶۹/۵) این کلمه به معنای بازداشت از خیر است. (راغب، ۵۹۷) با توجه به محور سوره که مبارزه با فشارهای واردہ بر پیامبر(ص) است، مشخص می‌گردد که گروهی از همراهی پیامبر(ص) بازمانده اند و توجه لازم را در رسیدن به هدف خبر پیامبر (ص) نداشته‌اند.

ریشه رجف به صورت اسم فاعل "المرجفون" در آیه ۶۰ این سوره آمده است. ایشان منافقینی بودند که در مدینه، مردم مسلمان را به سبب خبرهای دروغ، پریشان و مضطرب می‌ساختند به اینکه می‌گفتند مشرکین در فلان جا جمع شده که ناگاه بر مسلمین حمله کنند و امثال این حرفا و به اسیرها می‌گفتند مسلمانها در فلان جیهه کشته شدند و یا فرار نمودند. (طبرسی، ۵۸۱/۸) آمدن این کلمه در این سوره نشان از فضای شایعه پراکنی در مدینه بر علیه پیامبر(ص) دارد.

کلمه "جَوْف" در آیه ۴ سوره احزاب آمده است. به کارگیری این کلمه در عبارت «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبِيْنِ فِي جَوْفِهِ» می‌رساند که در وجود انسان دو قلب نیست که با یکی خدا را بخواهد و با دیگری کفار و منافقان را، پس برای اطاعت از خدا لازم است که کفار و منافقان کنار زده شوند. (قرشی، احسن الحديث، ۳۰۸/۸) بحث منافقین که در سوره مطرح شده است و ارتباط آن با کلمه «جوف»، به ذهن هر خردمندی متبدار می‌کند که اعتقادی که در درون هر انسان است، مورد نظر خداوند متعال است.

۶- اسمای حسنی در سوره الاحزاب

نام‌های خداوند تبارک و تعالی و تعداد و نوع نام نیکوی الهی که در سوره به کار رفته است می‌تواند یکی از ابزارهای شناخت محتوای سوره محسوب شود، مثلاً مخاطب سوره‌هایی که نام «الله» در آنها به وفور به کار رفته، عمدهاً مؤمنان هستند و آنها را از لغزشگاههای خود در عرصه اخلاق و عمل، متوجه عظمت مقام خداوند می‌نماید؛ اما در سوره‌هایی که نام «رب» در آنها بیشتر به کار رفته، مشرکان مخاطب هستند و محور سوره در جهت شرک‌زدایی و توحید است. (خامه گر، ۱۶۴) در سوره «الاحزاب» ۹۰ بار لفظ جلاله «الله» به کار رفته است، (بازرگان، ۱۸۲/۲) خداوند می‌خواهد به مومنان هشدار لازم را در مورد رفتار آنان با پیامبر(ص) بدهد.

۷- فضائل سوره الاحزاب

روایات فضائل سور در کشف غرض سوره‌ها مفسران را یاری می‌دهند. ارتباط بین فضیلت سوره و محتوای آن ما را به این حقیقت می‌رساند که یک رابطه معنادار بین فضیلت سوره و غرض آن وجود دارد. این رابطه از آنجا نشأت می‌گیرد که فضیلت سوره و غرض آن هر دو تابعی از محتوای سوره هستند. بنابراین غرض سوره روح کلی حاکم بر سوره و فضیلت سوره خاصیت و اثر نهایی آن است. (خامه گر، ۱۶۱)

بدین ترتیب از روایات صحیح فضائل سور، می‌توان به صحت غرض و محور بدست آمده برای سوره دست یافت.

ابی بن‌کعب از پیغمبر(ص) روایت نموده که آن حضرت فرمود: «من قرأ سورة الأحزاب و علمها أهله و ما ملكت يمينه أعطى الأمان من عذاب القبر» (طبرسی، ۵۲۴/۸) هر کس سوره احزاب را قرائت نماید و به خانواده و زیر دستانش تعلیم دهد، به او اینمی از عذاب قبر اعطاء می‌شود.

امام صادق(ع) می‌فرماید: «من كان كثيرون القراءة لسورة الأحزاب كان يوم القيمة في

جوار محمد و آله و ازواجه.» (عروسي حويزي، ۲۳۳/۴) هر کس سوره احزاب را فراوان
قرائت کند روز قیامت در همسایگی پیامبر و خاندان و همسران آن حضرت خواهدبود.
غرض سوره نشان دهنده دفاع و تقویت خداوند از پیامبر(ص) در برابر فشارهای وارد
بر آن حضرت است و چون فضائل سوره براساس عمل به محتوای سوره است، پس کسی
که از محتوای این سوره پیروی نماید و در دنیا حمایت از پیامبر(ص) و دین او را سرلوحه
زندگی خود قرار داده و خاتواده و زیردستاش را نیز در این اطاعت با خود همراه نماید،
شایستگی دارد که از عذاب قبر رهیده و در آخرت در جوار پیامبر(ص) سکنی گزیند.

۸- قصه‌های این سوره

قصه در قرآن از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است و قصه‌گویی یکی از کارآمدترین روش‌ها
برای رساندن مقصود خدای متعال به مخاطب می‌باشد. از جمله خصوصیات مهم قصه‌های
قرآنی، همسو بودن آنها با غرض اصلی سوره است. «قابل توجه است که بدانیم در هرجا که
قصه‌ای به بحث نهاده می‌شود یا تکرار می‌گردد، صرفاً تأمین هدف خاصی منظور است که هم با
سیاق ویژه آن سوره و هم با سیاق کلی قرآن هماهنگ است.» (حوی، ۱۶۹/۳)

در آیات ۹ تا ۲۷ سوره، داستان جنگ احزاب و سرگذشت یهودیان بنی قریظه آمده
است. (طباطبایی، ۴۲۷/۱۶) و جنگ احزاب را به عنوان آزمایش الهی معرفی می‌نماید:
«هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ» (الاحزاب، ۱۱) و در این ابتلاء، مؤمنان راستین، افراد سست ایمان
و منافقان، گروه‌های مختلفی بودند که پدید آمدند. (بابایی، ۵۹۴/۳)

داستان جنگ احزاب، همسو با غرض اصلی آن است. اعمال فشار از طرف اقشار کافر،
مشرک و منافق بر پیامبر(ص) مانند جنگ احزاب، آزمایش و ابتلایی دیگر است که در
زمان نزول سوره، افراد جامعه به آن مبتلا شدند.

آیه ۶۹ اشاره به اذیت شدن حضرت موسی(ع) توسط بنی اسرائیل دارد: «يَا أَئِيَّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا» این آیه

مؤمنان را به اعراض از شیوه بنی اسرائیل توصیه می‌نماید. لحن بیان آیه حکایت از اذیت شدن پیامبر(ص) از سوی مسلمانان دارد. گویا رفتار مسلمانان زمان پیامبر(ص) با آن حضرت شبیه رفتار بنی اسرائیل با حضرت موسی (ع) گردیده است و یا حداقل در معرض انجام رفتاری ناپسند در جهت آزار پیامبر (ص) هستند.

۹- تناسب سوره «الاحزاب» با سوره قبل

مطلع سوره «الاحزاب» با انتهای سوره «السجده» تشابه دارد که این تشابه، وجه اتصال سوره «الاحزاب» به سوره قبل است. (سیوطی، تناسق الدرر فی تناسب السور، ۱۱۱؛ مراغی، ۱۲۳/۲۱) آیه اول سوره «الاحزاب» تأکیدی برای امر مطرح شده در آخر سوره «السجده» است. (خطیب، ۶۴۵/۱۱) سوره «السجده» با فرمان به پیامبر مبنی بر دوری از کافرین و انتظار عذاب آنها تمام شد و سوره «الاحزاب» با امر به تقوی، عدم اطاعت از کافران و منافقان و تبعیت از وحی و توکل بر خداوند آغاز شد. سوره الاحزاب به منزله تمام کننده مباحث خاتمه سوره «السجده» گردید؛ مثل این که این دو یک سوره‌اند. (سیوطی، تناسق الدرر فی تناسب السور، ۱۱۱)

۱۰- تناسب سوره «الاحزاب» با سوره بعد

سوره «الاحزاب» با این امر خداوند ختم شده است: «**لَيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ...**» و سوره «سبأ» با این فرموده آغاز شده است: «**الَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ**» زیرا چنین وصفی از خداوند یعنی مالکیت عام و قدرت تامه اقتضاء چنان حکمی از جانب او را دارد. تناسب دیگری که در این زمینه قابل ذکر است صفاتی از خداوند است؛ سوره «الاحزاب» با «**وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا**» به پایان رسیده است و انتهای آیه دوم سوره «سبأ» چنین آمده است: «**وَ هُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ**». (سیوطی، تناسق الدرر فی تناسب السور، ۱۱۲)

۱۱- سرآغاز مشترک «یا ایٰهَا النَّبِيُّ» در سه سوره

نقسیم براساس سرآغاز سوره‌ها، نوعی از تقسیم‌بندی سوره‌های قرآن کریم است؛ به این معنا که نه تنها میان سوره‌های مجاور یا کل قرآن مجید نوعی پیوند موضوعی برقرار است، بلکه میان سوره‌های نزدیک به هم نوعی هماهنگی و همسوی وجود دارد. (ایازی، ۶۵) در قرآن کریم ده سوره با حروف «ندا» آغاز گردیده که خطاب آن به مردم، یا به مؤمنین و یا به رسول خداست. (معرفت، ۱۲۸) از میان این ده سوره، سه سوره «الاحزاب، الطلاق و التحریم» با عبارت «یا ایٰهَا النَّبِيُّ» آغاز شده است. مباحث مربوط به ازواج در هر سه سوره بیان شده است.

در سوره «الطلاق» که ۱۲ آیه دارد، ۵ بار به تقوا اشاره شده است. این تعداد تکرار این موضوع، نشان دهنده تأکید این سوره به نقش تقوا است. با توجه به متن آیات و غرض سوره، دلیل تأکید به تقوی، پرداختن این سوره به امر مهم جدایی زوجین و لزوم تقوای الهی در امر طلاق و فرامین و احکام الهی مرتبط با آن است.

سوره «التحریم» به جایگاه همسران پیامبر(ص) به عنوان حافظان اسرار آن حضرت، اشاره می‌نماید و به زنان خیانتکار پیامبر(ص) که حفظ سرّ رسول الله را ننموده اند، هشدار می‌دهد تا از روش ناپسند خود دست برداشته و برخورد قاطع الهی با توطئه گران جبهه داخلی علیه پیامبر(ص) را مطرح می‌نماید.

در سوره «الاحزاب» بزرگداشت مقام پیامبر(ص) مشاهده می‌گردد زیرا که پیامبر(ص) به عنوان اسوه معرفی می‌گردد. از سویی دیگر منافقان با ایجاد جنگ روانی دریی تحریب شخصیت پیامبر(ص) بودند که محتوای سوره به خنثی سازی نقشه‌های آنان می‌بردازد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در هر سه سوره که با خطاب مشترک «یا ایٰهَا النَّبِيُّ» آغاز شده‌اند. محور کلام پیامبر(ص) است و عظمت شخصیت پیامبر(ص) را یادآوری می‌نماید. در دو سوره «التحریم و الاحزاب» لحن سخن خطاب به همسران پیامبر، لحن عتاب، هشدار و تهدید است.

ب - ارتباط آیات سوره «الاحزاب» با آیه تطهیر

از آنجا که آیه تطهیر در سیاق سوم (آیات ۲۸-۳۵) قرار دارد، این سیاق باید دقیق‌تر بررسی گردد و ارتباط آن با سیاق‌های قبل تبیین گردد:

انسجام آیات این سیاق، بر محور نصیحت همسران رسول خدا (ص) است. این آیات چنین ارائه می‌دهد که حضرت از زنهای خود بسیار زجر می‌کشید. (امین، ۱۰/۲۰)

سیاق نخست، اعمال فشار بر پیامبر اسلام از سوی کافران و منافقان را، به بهانه ابطال فرهنگ جاهلی «پسر دانستن پسر خوانده» بیان نمود و اقدامات خود را در جهت تغییر این فضا ایفاء نمود. نکته قابل توجه در این سیاق عبارت «الَّتِي أُولَئِي بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» در آیه ۶ است که برتری پیامبر(ص) را گوشزد می‌کند و مهمترین علت این اولی بودن در آیه تطهیر ذکر شده که همان عصمت پیامبر(ص) است. عبارت «وَأَرْوَاجُهُ أُمَّهَاتِهِمْ» در آیه ۶ می‌رساند که شأن زنان پیامبر صلی الله علیه و آله، مادری برای مؤمنان است. برای این مادری تکالیفی است که بعضی از شما (زنان پیامبر) بدان‌ها عمل نکرده‌اید؛ پس به اهل‌بیت علیهم السلام بنگرید که لیاقت آنها چنان است که خطاب «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...» درباره آنها صادر شده است.» (همامی، ۱۵۱)

نکته لطیف دیگر نیز که باید به آن اشاره نمود و خود دلیل بر این است که منظور از اهل‌بیت زنان پیامبر نیست، این است که در آیه ۶ جایگاه آنان را «المؤمنین بودن» معرفی کرد و در آیه تطهیر عبارت «اهل بیت» را بیان می‌کند و اختلاف در تعبیر می‌رساند که این دو با هم متفاوت هستند.

سیاق دوم یادآوری ابتلای جنگ احزاب و نقش منافقان و مؤمنان را در وضعیت جنگ بیان کرد تا بینشی درست و همراه با عبرت، نسبت به ابتلائات الهی ارائه دهد. سیاق سوم، مجموعه‌ای از اوامر و نواهی را خطاب به همسران رسول الله(ص) ایراد می‌کند. این اقدام الهی حکایت از آن دارد که همسران پیامبر(ص) در فضای اعمال فشار بر آن حضرت، نیازمند پند دادن و راهنمایی هستند. زیرا برخی از همسران آن حضرت با دنیاگرایی (آیه

(۲۸) از اطاعت خدا و رسولش خارج شده و به سود منافقان در تحت فشار قرار دادن
پیامبر (ص) نقش دارند.

برخی گمان کرده‌اند آیه تطهیر به همسران پیغمبر (ص) اختصاص دارد یا دست کم آنها را نیز شامل می‌گردد. (فخررازی، ۱۶۸/۲۵) و همسران پیامبر را مصدق اهل بیت می‌دانند تا جایی که حجازی در کتاب خود آیات ۳۱ تا ۳۵ را در ذیل عنوان «آداب اهل بیت و اوصاف آنان» تفسیر نموده است. (۹۱/۳) این عقیده با توجه به ارتباط معنایی آیات در این سیاق و در کل سوره باطل می‌گردد. بررسی سیر آیات این سیاق، جهت ابطال ادعای مصدق آیه تطهیر بودن همسران پیامبر (ص)، ضروری است. آیه ۲۸ می‌فرماید: ای پیامبر همسرانت را بین دو چیز مخیرکن: یا حیات دنیا را برگزینند و از تو جدا شوند و یا خدا و رسول او (ص) را برگزینند. ظهور آیه در آنست که زن پیامبر بودن با خوشگذرانی قابل جمع نیست یا باید اصل هدف، دنیا و زینت آن باشد یا خدا و رسول و دار آخرت. (قرشی، احسن الحديث، ۳۵۰/۸) آیه ۲۹ سوی دیگر قضیه است، مراد از اراده خدا و رسول و قیامت آنست که در زوجیت پیامبر بمانند و از تجمل و دنیا پرستی پرهیزند در این صورت در بهشت خواهند بود، آن هم بواسطه نیکوکار بودنشان نه به دلیل زوج پیامبر بودنشان. آیه ۲۹ مطرح می‌کند که زن پیامبر بودن در نزد خدا به هیچ وجه ارزش آن را ندارد که سبب مغفرت خدا باشد. آیه ۳۰ به بیان موقعیت زنان پیامبر (ص) و مقام ممتاز و مسؤولیت سنگین آنها، پرداخته است. (بابایی، ۶۰۶/۳) خداوند خطاب به زنان پیامبر می‌فرماید: در موقعیتی هستید که اگر گناه آشکار (اجتماعی) مرتکب شوید، دو برابر عذاب می‌شوید و اگر در برابر خدا و رسول او فرمانبردار باشید، دو برابر پاداش داده می‌شوید. آیه ۳۱ نقطه مقابل آیه قبل را بیان می‌دارد: "و هر کس از شما در برابر خدا و پیامبر (ص) خضوع و اطاعت کند و عمل صالحی بجا آورد، پاداش او را دو چندان خواهیم داد، و روزی پر ارزشی را برای او فراهم ساخته‌ایم." (مکارم شیرازی و دیگران، ۲۸۴-۲۸۳/۱۷)

از تقابل موجود، بین گناه آشکار و فرمانبرداری (قتوت) از خدا و رسول مشخص

می‌شود که منظور از گناه، ترک فرمانبرداری خدا و رسول اوست. دلیل دو برابر بودن عذاب یا پاداش آنان نیز به خاطر آثار اجتماعی عملکرد آنان است. زیرا برخی از افراد امت به خاطر توجه به موقعیت همسری آنان برای رسول خدا به آنان اعتماد می‌کنند و در جهت مثبت یا منفی به ایشان تأسی می‌کنند و این امر، مسئولیت آنان را دو چندان کرده است. آشکار است که این آیات جهت دفع و حذف ایداء پیامبر(ص)، از طرف نزدیکترین افراد نسبت به آن حضرت است. (زحلی، ۲۹۴/۲۱)

در آیات (۳۲ تا ۳۴) موضوع موقعیت ویژه و مسئولیت سنگین همسران پیامبر مطرح می‌گردد و آیات در صدد این هستند که رفتار صحیح را به همسران پیامبر گوشزد نمایند. آیه ۳۲، بیان می‌کند که موقعیت شما ای زنان رسول خدا مانند زنان دیگر نیست. پس اگر تقوا دارید خاضعانه سخن بگویید تا منافقان و افراد بیماردل در شما طمع نکنند. چون اگر در اظهارنظر سنتی نشان دهید، منافقان از شما به عنوان ابزاری در آزار رساندن رسول خدا(ص) استفاده می‌کنند و اگر سخن غیر معروف بگویید، باز هم چنین طمعی در سر می‌پرورانند. ابتدای آیه ۳۳ ادامه دستورهای قبل است، که بیان می‌دارد: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُن». این عبارت اشاره دارد که در خانه نماندن همسران پیامبر(ص) می‌تواند زمینه انحراف آنها باشد.

بطور کلی مراد از ماندن در خانه آنها این است که در کارهای سیاسی دخالت نکنند. نه اینکه ابداً از خانه خارج نشوند، به خانه کسان خود، حتی به حج و امثال آن نروند، زیرا کسی این را نگفته است. این حکم ظاهراً بدان علت است که آلت دست نشوند و جامعه را به هم نزنند. (قرشی، احسن الحديث، ۳۵۳/۸) یعنی به نقش آفرینی سیاسی اجتماعی نپردازند و به سبک دوره جاهلیت و مانند همسران حکام آن دوره به فکر اعمال نفوذ نباشند، بلکه به قوانین اسلام پاییند و مطیع خدا و رسول او (ص) باشند.

برخی از همسران آن حضرت در جو فشارهای واردہ توسط منافقان و کافران، به بهانه ابطال برخی از فرهنگ‌های جاهلی، نقش آفرینی منفی دارند و خداوند با هشدارها و اوامر

خود، اصلاح آنان را بی ریزی می نماید. در آیه تطهیر، اهل بیت رسول خدا (ص) از این افراد، جدا شده و بر عصمت آنان تأکید می گردد. عصمت آنان بیان می شود تا مؤمنان دریابند که به جای تأسی به همسران رسول خدا(ص) باید به اهل بیت او تأسی کنند. زیرا همسران آن حضرت نه تنها از اشتباه و گناه مصون نیستند بلکه در معرض این قرار دارند که خود، ابزاری در جهت اعمال فشار بر رسول خدا واقع شوند به همین دلیل آیه فرموده است که در خانه بمانند.

بعد از ذکر عصمت خمسه طبیه جهت اقتدائی امت به اهل بیت نه بغیر، باز در آیه ۳۴ خطاب به ازواج پیغمبر کرد. (کاشانی، ۹۷/۴) در آیه ۳۴ ادامه دستورهای گذشته به همسران را می آورد، ظاهراً مراد از ذکر، یاد آوری و غافل نماندن است و برای تأکید توصیه شده که از آیات اللہ، غفلت نکنند (قرشی، احسن الحدیث، ۲۵۵/۸) و فرموده که آنها را همواره به خاطر بسپارید تا از خط سیری که خدا برایتان معین کرده، تجاوز نکنید در این صورت مردم پیروی از امر خدا را از شما یاد می گیرند. بدانید خدا لطیف و خبیر است و از دقیق و باریک‌ترین مسائل باخبر است و نیّات شما را به خوبی می داند. (پورسیف، ۱۰۸۵) سپس در آیه ۳۵ مجموعه‌ای از صفات پسندیده را به عنوان معیار دستیابی به اجر عظیم به ایشان می شناساند.

خداآوند متعال، تابلوی عصمت اهل بیت علیهم السلام را در میان آیات نصیحت و اندرز به همسران رسول خدا و نهی و امر به ایشان نصب نمود تا در بهترین موقعیت در معرض دید همگان باشد.

درباره ارتباط آیه تطهیر با دیگر آیات سیاق سوم، نکات دیگری قابل اشاره است:
 الف) دقّت در سیاق آیه تطهیر نشان می دهد که محتوای آن مخصوص گروه معینی است و مشمول زنان پیامبر (ص) نیست، زیرا همگی آیات ۲۸ تا ۳۴ سوره الاحزان، مشتمل بر ضمایر جمع مؤنث است و تنها جمله‌ای که پیام تطهیر را می‌رساند، مشتمل بر دو ضمیر جمع مذکّر است که چنین ضمیری با سیاق گذشته و آینده جمله مزبور هماهنگ نیست. از این تغییر ضمیر و دگرگونی تعبیر می‌توان استنباط کرد که مراد از آیه تطهیر، هرگز زنان رسول اکرم(ص) نیستند. (rstmu، ۱۲۱/۱)

ب) آیات مربوط به (نساء النبي) با لحن عتاب و تهدید آورده شده است، در حالی که آیه تطهیر با لحنی ملاطفت‌آمیز و در مقام بیان فضیلت آورده شده است که به هیچ وجه با لحن عتاب و سرزنش هماهنگی ندارد. (موحد ابطحی، ۱۲۲/۲)

ج) وجود آیه تطهیر در آیات مربوط به زنان پیامبر، شببه امکان ورود آنان را در معنای اهل بیت علیهم السلام نفی می‌کند و بیان می‌دارد: آنان که خدا بر تطهیرشان اراده کرده، از زنان پیامبر صلی الله عليه و الله نیستند؛ در واقع اگر آیه تطهیر جدای از این آیات می‌آمد، ممکن بود عده‌ای گمان برند اهل بیت، همان زنان پیامبر صلی الله عليه و الله هستند که مشمول رحمت و لطف پروردگار قرار گرفته و پاک و منزه از آلودگی و گناه شده‌اند که وجود این آیه در بین آیات مربوط به زنان پیامبر صلی الله عليه و الله این احتمال را از اساس باطل می‌کند. (جواهری، ۱۳۱)

د) در سیاق سوم (آیات ۲۸-۳۵) خداوند، دستوراتی به زنان پیامبر صلی الله عليه و آله داده است و در آیه تطهیر، دلیل صدور این فرمان‌ها بیان می‌شود؛ یعنی تمام کارهایی که زنان پیامبر صلی الله عليه و آله بدان‌ها امر یا نهی شده‌اند؛ از این‌رو مورد عنایت قرار گرفته‌اند که ممادا رفتار آنان که نزدیکان «أهل بیت» بوده‌اند، به ساحت مقدس «أهل بیت علیهم السلام» که نزد خداوند، پاک‌اند، لطمه وارد نماید و آنها را در نظر مردم غیر پاک جلوه‌گر سازد. (همامی، ۱۵۱)

وجه جامع سخن نیز همان حفظ اهل بیت (ع) است که بدون شک در صیانت از پیام آسمانی بی‌تأثیر نخواهد بود. انگیزه اصلی تشریع چنین فرمانهایی زدودن "رجس" و پلیدی از خاندان نبوت است؛ چه برای مصون ماندن حوزه رسالت، صیانت از قدسیّت خاندان نبوت، ضرورتی قطعی و انکارنایذیر است. (فقهی‌زاده، ۱۱۵)

ه) عدم ارتباط ظاهری در نگاه سطحی، میان آیه تطهیر در سوره «الاحزاب» نه تنها دلیل بر عدم ارتباط نیست، بلکه نشان می‌دهد در این چیش عمدی در کار است. (نقی‌پورفر، ۲۷۵)

نتایج مقاله

- ۱- موضوعات به ظاهر مختلف سوره «الاحزاب» با نظمی شگفت‌انگیز و منطقی غرض واحد «حمایت همه جانبه از پیامبر(ص) در برابر احزاب گوناگون جامعه» را دنبال می‌نمایند.
- ۲- یکی از آیاتی که به ظاهر، ارتباط آن با آیات قبل و بعد خود مشکل می‌نماید، آیه ۳۳ سوره «الاحزاب» است. در واقع عدم ارتباط ظاهری میان آیه «تطهیر» در سوره «الاحزاب»، نه تنها دلیل بر عدم ارتباط و نفی چینش الهی نیست، بلکه خود دلیل محکمی بر چینش الهی است. زیرا که نظر به آیه «تطهیر» در میان آیاتی در مورد همسران پیامبر(ص) نشان می‌دهد در این چینش عمدی در کار است و تنها با نظر اجمالی و ابتدایی به قبل و بعد خویش نامربوط می‌باشد. اما با توجه به ساختار سوره احزاب جایگاه این آیه مشخص می‌گردد و می‌توان گفت انگیزه اصلی تشریع فرمانهایی به زنان پیامبر زدودن "رجس" از خاندان نبوت است.
- ۳- وجود آیه «تطهیر» در میان آیات مربوط به همسران پیامبر(ص)، حکایتگر ارتباطی در آیات می‌باشد که همچون چراغ قرمزی ذهن‌ها را به خود متوجه می‌نماید. بنابراین در این‌گونه موارد باید توجه بیشتری به ارتباط معنایی آیه با دیگر آیات سوره و محور اصلی سوره مبذول داشت. در واقع این سبک چینش، نشان دهنده اهمیت والای مطلبی است که در دید سطحی و اجمالی به شکل جمله معتبره در نظر گرفته می‌شود. اما باید اذعان داشت که این سبک چینش برای برجسته‌تر نمودن مبحث مطرح شده در آیه است.
- ۴- در قسمت اعظم از آیات سوره «الاحزاب» از منافقان در جامعه اسلامی بحث می‌شود که نشان دهنده وجود جو نفاق در زمان نزول این سوره است. با توجه به لحن عتابی آیاتی که مخاطب آن همسران پیامبر(ص) هستند، این فرضیه قوت می‌گیرد که آنان در معرض خطر نفوذ منافقان قرار داشتند و آیاتی که لحن عتاب به آنان دارد، در صدد زدودن این خطر است.
- ۵- توجه به ساختار معنایی، سیاق آیات و غرض سوره «الاحزاب» مفسران شیعه را در رد نظر اهل سنت با استناد به دلیل خودشان یاری می‌دهد.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالكتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق عبدالرازاق المهدی، بیروت، دارالکتاب العربي، ۱۴۲۲ق.
۴. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالكتب العلمیه، منشورات محمدعلی ییضون، ۱۴۱۹ق.
۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، بیجا، بیتا.
۶. ابن عجیبه، احمد بن محمد، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، تحقیق احمد عبدالله قرشی رسلان، قاهره، حسن عباس زکی، ۱۴۱۹ق.
۷. امین، سیده نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ش.
۸. اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
۹. ایازی، محمد علی، چهره پیوسته قرآن، تهران، نشر هستی نما، ۱۳۸۰ش.
۱۰. بابایی، احمد علی، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، دارالكتب الاسلامیه چاپ سیزدهم، ۱۳۸۲ش.
۱۱. بازرگان، عبدالعلی، نظم قرآن، تهران، ۱۳۷۲ش.
۱۲. پورسیف، عباس، خلاصه تفاسیر المیزان و نمونه، تهران، شاهد، ۱۳۹۱ش.
۱۳. جرجانی، محمدبن حبیب‌الله، جلاء الأذهان و جلاء الأحزان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۴. جواہری، محمدحسن، پرسمان علوم قرآنی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۵ش.
۱۵. حجازی، محمد محمود، التفسیر الواضح، بیروت، دارالجیل الجديد، چاپ دهم، ۱۴۱۳ق.
۱۶. حریری، محمد یوسف، فرهنگ اصطلاحات قرآنی، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۳۸۴ش.
۱۷. حسینی شیرازی، سید محمد، تقریب القرآن الى الاذهان، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۲۴ق.
۱۸. حوى، سعید، الاساس فی التفسیر، قاهره، دارالسلام، ۱۴۲۴ق.
۱۹. خامه‌گر، محمد، ساختار هندسی سوره‌های قرآن پیش درآمدی بر روش‌های نوین ترجمه و تفسیر قرآن کریم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶ش.
۲۰. خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، بیجا، بیتا.
۲۱. دروزه، محمد عزت، التفسیر الحدیث، قاهره، دار احیاء الكتب العربیه، ۱۳۸۳ش.
۲۲. راغب، حسین بن محمد، ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دار العلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۲۳. زحیلی، وهبة بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشريعة و المنهج، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ق.
۲۴. سیزوواری نجفی، محمد بن حبیب الله، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۲۵. سمرقندی، نصر بن محمد، بحر العلوم، بیجا، بیتا.
۲۶. سید قطب، ابن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، قاهره، دارالشروع، چاپ هفدهم، ۱۴۱۲ق.

۲۷. سیوطی، جلال الدین، تناسق الدرر فی تناسب السور، تحقیق عبدالله محمد درویش، بیروت، عالم الکتب، بی تا.
۲۸. شحاته، عبدالله محمد، درآمدی بر تحقیق در اهداف و مقاصد سوره‌ها، ترجمه محمد باقر حجتی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۲۹. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۳۱. عروضی حوزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالقلیین، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۳۲. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دارالکتب العلمیه، بی جا، چاپ دوم، بی تا.
۳۳. فقهیزاده، عبدالله‌ادی، پژوهشی در نظم قرآن، تهران، جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۳۴. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۳۵. قرشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۳۶. همو، تفسیر احسن الحديث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش.
۳۷. کاشانی، فتح‌الله، خلاصه المنهج، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۳ ق.
۳۸. کمالی دزفولی، سید علی، قرآن نقل اکبر، قم، اسوه، ۱۳۷۲ ش.
۳۹. گیابادی، محمد، بیان السعادة فی مقامات العبادة، ترجمه رضاخانی و حشمت الله ریاضی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۷۲ ش.
۴۰. محلی، جلال الدین و جلال الدین سیوطی، تفسیر الجلالین، بیروت، موسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ ق.
۴۱. مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ ق.
۴۲. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دارالحکایاء التراث العربی، بی تا.
۴۳. معرفت، محمد هادی، تناسب آیات، ترجمه عزت الله مولایی نیا، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۴۴. مصطفوی حسن، تفسیر روش، تهران، مرکز نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۴۵. مظلومی، رجبعلی، پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی، تهران، آفاق، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۴۷. موحد ابطحی، علی، آیه الطهیر فی احادیث الفریقین، قم، مطبعة سید الشهداء، ۱۴۰۵ ق.
۴۸. نقی پورفر، ولی الله، پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن، تهران، اسوه، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ ش.
۴۹. هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان، فرهنگ قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.
۵۰. همامی، عباس، چهره زیبای قرآن، اصفهان، انتشارات بصائر، ۱۳۷۵ ش.